بزرگ‌ترین دارالقرآن طرقبه شاندیز در خدمت توسعه فعالیت‌های قرآنی

با بهره برداری از دار القرآن بزرگ امام‌زادگان یاسر و ناصر(ع) در شاندیز فعالیت های قرآنی در این منطقه گسترش چشمگیری خواهد یافت. ساخت این دار القرآن از سال ۹۵ آغاز شد که هم اکنون عملیات ساختمانی آن مراحل پایانی خود را طی می کند و قرار است به حول و قوه الهی در سال ۹۸ به بهره برداری برسد. مساحت عرصه این دار القرآن ۱۷۴۸ متر مربع وزیربنای آن ۲ هزار و ۱۰۸ متر می باشد. حجت الاسلام حبیب صادقی طرفی رئیس اداره اوقاف و امور خیریه طرقبه شاندیز باید این مطلب گفت: هزینه انجام شده برای ساخت آن که تاکنون بیش از ۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است ۲۲ میلیارد ریال می باشد و در این دار القرآن ظرفیت های بسیار زیادی در زمینه فعالیت های قرآنی پیش بینی شده است که قطعا در آینده جزو دار القرآن های مطرح کشوری مطرح خواهد بود.

■ **اهداف ساخت**

* تقویت زیر ساخت های قرآنی در این شهرستان
* تربیت حافظان و قاریان برتر بین المللی از بین استعدادهای قرآنی این شهرستان
* برگزاری مسابقات قرآن استانی و کشوری در این دار القرآن
* برگزاری کلاسهای تخصصی قرائت روخوانی، روان خوانی، تجوید عالی، تفسیر قرآن کریم، نهج البلاغه، سبک زندگی اسلامی و...

■ **برگزاری دوره های تخصصی تربیت مربی قرآن کریم و اعزام مربیان به سراسر کشور**

حجت الاسلام والمسلمین صادقی ریاست محترم اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان طرقبه شاندیز اظهار کرد: عمل به قرآن همواره به موفقیت و پیروزی جامعه ما منجر شده است. وی افزود: اقدامات قرآنی گسترده‌ای که در چهل ساله انقلاب شکوهمند اسلامی در سطح شهرستان طرقبه شاندیز انجام شده که منجر به تربیت اساتید و مربیان قرآنی مجربی شده است. امروز ما نیاز داریم تا فعالیت های قرآنی شهرستان طرقبه شاندیز را بیش از گذشته توسعه دهیم.

وی عمل به قرآن را راه رسیدن به موفقیت و پیروزی جامعه دانست و عنوان کرد: حیات مادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی از قرآن گرفته شده است و قرآن می تواند به ما رشد، زندگی و حیات دوباره دهد.

■ **موقوفه عبد الله رضوی شاندیز از بزرگ ترین موقوفات استان در خدمت تولید، اشتغال و تحصیل ایتام**

موقوفه عبدالله رضوی واقع در منطقه سوران شاندیز با مساحت حدود ۳۳۰۰ هکتار از موقوفات بزرگ و شاخص استان خراسان رضوی است که علاوه بر اجرای نیت واقف در خصوص ساخت مدرسه شبانه روزی ویژه ایتام به امور تولید و اشتغال نیز می پردازد.

در این موقوفه سالانه ۱۷۰ دانش آموز یتیم که از نعمت پدر بی بهره می باشند به صورت شبانه روزی مشغول به تحصیل می باشند، هم چنین سالانه حدود ۳۰۰۰ نفر از خدمات درمانی این موقوفه بهره مند می شوند و عزاداری روز عاشورا نیز برابر نیت واقف همه ساله به طرز باشکوهی در مزرعه سوران برگزار می گردد. این موقوفه در راستای تحقق شعار اقتصاد مقاومتی اقدام و عمل و تولیدات داخلی و هم چنین اشتغال زایی فعالیت های چشمگیری داشته است که به عنوان مثال به تعدادی از آنها اشاره می کنیم.

■ **پرورش ماهی**

ساخت و توسعه استخر پرورش ماهی با هزینه ای بالغ بر ۴۰۰۰۰۰۰ میلیارد ریال

■ **تولید شغل**

سالانه تعداد ۵۰ نفر نیروی ثابت و تعداد ۵۰۰ نفر نیروی غیر مستقیم در این موقوفه مشغول به کار می باشند

■ **کشاورزی**

۷۷۰ هکتار از اراضی این موقوفه همه ساله در زیر کشت می رود که از این مقدار ۷۰۰ هکتار زراعت می شود و ۷۰ هکتار دیگر نیز به صورت باغ است

تولید نهال در اراضی موقوفه در مساحت دو هکتار تولید سالانه ۵۰ هزار نهال در سال، کاشت و برداشت دانه کلزا در اراضی موقوفه در مساحت ۴ هکتار و برداشت سالانه ۳ تن، کاشت و برداشت گل محمدی به مساحت یک هکتار و برداشت یک تن

فقر و معلولیت دردهایی که به دست خیران التیام می یابد

خیریه نور الرضا(ع) پشتیبان صبور کودکان معلول موسسه امام جواد(ع) شاندیز

فقر خودش ذاتا درد آور و آسیب زا است چه رسد به این که در بزرگی هم با آن همراه شود و به جان خانواده نیازمندی بیفتد. دردی از جنس معلولیت، معلولیتی جسمی، ذهنی یا هر دوی این ها. کافی است یک لحظه در ذهن خود خانواده ای را متصور شوید که دو یا چند فرزند معلول دارد و با این وجود به هر دلیلی برای نان شب محتاج است. چه حسی به انسان دست می دهد وقتی قرار است خود را برای لحظه ای جای یک خانواده مستضعف دارای یک یا چند معلول جسمی، ذهنی بگذاریم. فقر خودش کم دردی نیست، آرزوی نان شب و یک وعده غذای گرم کم رنجی نیست. رنجی که شاید بسیاری از همین آدم های دور و برمان، همسایه مان، همشهری و هم ولایتی مان و اصلا هم وطنمان می کشند و چه بسا دم بر نمی آورند و آن وقت من و شما در کمال آسایش و عافیت روزگار می گذرانیم و بعضی ها از دور و برمان غافلیم و اگر هم غفلتی نداریم از خود رفع مسوولیت کرده و می گوییم چرا من؟ آری در این وانفسای زندگی اگر من و شما بگوییم چرا من؟ پس چه کسی باید به داد انسان هایی که روزگار چهره بی رحم خود را نشانشان داده است برسد؟

کاش بعضی از ما انسان ها اندکی منیت را کنار بگذاریم و یک لحظه خود را جای مادری بگذاریم که مرگ تدریجی کودکان معلول خود را هر لحظه روزگار می بیندودم بر نمی آورد چه زیباست مادامی که بر سر سفره رنگین خانه مان می نشینیم یک لحظه به یاد خانواده نیازمندی بیفتیم که با نان و چایی شکم خود و کودکان معلول را سیر می کند. شاید از خود بپرسیم مگر چنین خانواده هایی وجود دارند؟ مگر می شود شکم خود و کودکان معلولی که با هزار و یک بیماری دست و پنجه نرم می کنند را با چای تنها و یا قوت غالبی هم چون ماست و پنیر سیر کرد؟

برای پاسخ به همه این سوال ها و چرایی ها کافی است سری به مراکز نگهداری کودکان معلول بزنید، سری به مرکز نگهداری کودکان معلول امام جواد(ع) شاندیز در ابتدای جاده سوران بزنید. جایی که ۲۰۰ معلول جسمی، حرکتی و ذهنی فقط زنده اند و به مدد و همت خیران روز و شب می گذرانند و زنده اند امازندگی نمی کنند.

جوان ۳۰ ساله ای را ببینید که آسمان نگاهش سقف آسایشگاه است و ۳۰ سال است چشمانش فقط به دیدن یک نقطه خیره شده است. یا کودک ده ساله ای که همه خوشی های کودکی اش و مونس شب و روزهاو دلخوشی اش عروسکی است که خیران به او هدیه داده اند یا حتی دختر کان معصومی که انگار سیاه بخت متولد شده اند و به هر دلیلی خبری از خانواده آن ها نیست و با همین ذهن و جسم ناتوان و قتی با نوبی به سراغ شان می رود گمان می کنند مادر شان آمده است، رهایش نمی کنند، در آغوش می کشند و با زبان بی زبانی تشنگی چندین و چند ساله محبت را برایت روایت می کنند. ویا جوانانی که تا چشم باز کرده اند معلولیت را دیده اند و همزاد فقر و بدبختی بوده اند، مادامی که خیری پابه آسایشگاه شان می گذارد هم چون پرنده هایی افتاده در کنج قفس بال بال می زنند و تورا می خوانند و با زبان خود برایت واگویه می کنند و دستت را می فشارند و با چشمان ملتمس شان به تو می فهمانند که بیشتر کنارم بمان.

والبته که در مرکز نگهداری معلولان امام جواد(ع) این معلولان هم چون جان گرامی داشته می شوند و چونان گل نگهداری می شوند. سالم ترین و بهداشتی ترین و مقوی ترین غذاها و میوه ها برای شان تهیه می شود و توسط پرستارانی که مادر یار و پدر یار خوانده می شوند هم چون فرزند خود تیمار داری و پرستاری می شوند بهترین امکانات درمانی نیز برای شان بسیج می گردد و صد البته که نگهداری چنین معلولانی هزینه های گزافی را می طلبد که اگر همت من و شما و دست های پرمهر خیران نباشد نمی توان از پس نگهداری حتی یک معلول برآمد. برای تامین هزینه های چنین معلولانی که اغلب بی سرپرست و دارای سرپرستانی مستمند هستند در سال ۹۲ خیریه ای در قلب یک سمن یا موسسه ای مردم نهاد به نام نور الرضا(ع) به همت چند مرد و زن خیر و با اخذ مجوزهای قانونی تاسیس شد. هدف این خیریه آن چنان که در اساسنامه اش ذکر شده است کمک به کودکان معلول نیازمند و خانواده های آنان است که البته در سال های اخیر این موسسه کمک های خود را به اقشار مستضعف جامعه و با رعایت همه ضوابط و جوانب و بررسی ها و تحقیقات مفصل، عمقی و میدانی مددکاران مرکز نگهداری معلولان امام جواد(ع) گسترش داد.

خانم مریم شجیعی مدیر مرکز نگهداری معلولان امام جواد(ع) و از موسسان خیریه نور الرضا(ع) هدف از تاسیس این خیریه را چنین بیان می کند: افزایش آسیب های اجتماعی و به تبع آن افزایش تعداد معلولان و پذیرش آن در این مرکز سبب شد تا برای تامین هزینه نگهداری معلولان دست یاری بیشتر به سوی خیرین دراز کنیم و کمک های مردمی را نیز ضابطه مند و هدف دار کنیم. به این معنا که کمک های نقدی و غیر نقدی مردم نیکوکار در قالب خیریه قابل رصد و نظارت است و به عنوان مثال در صورت درخواست، همه مدارک

کمک خیران، مسیر هزینه کرد آن و مستندات مربوطه تهیه می شود و در اختیار خیران قرار می گیرد تا به مردم اطمینان داده شود که کمک ها در مسیر درست خود یعنی نگهداری معلولان و کمک به خانواده های آنان و سایر اقشار نیازمند قرار می گیرد و البته که نهادهای نظارتی نیز بر عملکرد موسسه نگهداری معلولان امام جواد(ع) و خیریه نور الرضا(ع) نظارت مستمر دارند. خانم مریم شجیعی می افزاید: زندگی اکثر خانواده های معلول سراسر درد است و رنج. درد بی کسی و فقر و رنج معلولیت و بیماری و در این میان خانواده هایی هم وجود دارند که این درد ها و رنج ها برای شان صد چندان است، خانواده هایی که دارای دو یا چند معلول هستند که امکان نگهداری همه فرزندان معلول شان در موسسه میسر نیست و یا به دلایلی در منزل نگهداری می شوند که از طریق خیریه به این خانواده ها نیز کمک های نقدی و غیر نقدی هم چون آذوقه و سبد کالا می شود و یا هزینه های درمان شان پرداخت و یا به کمک خیرین و از طریق خیریه نور الرضا(ع) در بیمارستان ها مداوا می شوند. وی با بیان اولویت تامین هزینه های نگهداری معلولان و کمک به خانواده های آنانی که در فقر مطلق به سر می برند بیان می دارد که به زنان سرپرست خانوار که از فقر آسیب جدی دیده اند بانوانی که همسر زندانی دارند، کودکان بی سرپرست و نیازمندی که به طرق مختلف معرفی شده یا شناسایی می شوند، مسافران در راه مانده و... نیز با رعایت همه جوانب و حفظ آبروی افراد و تحقیقات همه جانبه مددکاران زبده مرکز نیز کمک های نقدی و غیر نقدی می شود. شجیعی می افزاید: بسیاری از این افراد و خانواده های نیازمند از طرف نهادهایی هم چون فرمانداری و بهزیستی معرفی می شوند لی با این همه موسسه نور الرضا(ع) بر اساس ضوابط خود و از آن جا که ممکن است معدودی از افراد به طرق مختلف سوء استفاده کرده و با نوشته بودیم. به شهر ک مذکور که رسیدیم دریافتیم یک کوچه آن طرف تر را آدرس داده ووقتی پرس و جو کردیم و آن ها را پیدا کردیم گفتند شما آدرس را بد نوشتید. خلاصه وارد منزلی شدیم با اتاق پذیرایی سی متری و دو سه اتاق خواب، سه چهار زن داخل خانه با بچه های کوچک شان بودند که یکی شان را می گفتند از همسر صیغه ای اش باردار است و همسرش اورا رها کرده و الان در حالت استراحت مطلق به سر می برد، سه زن دیگر هم می گفتند شوهران مان ما را با همین بچه های کوچک رها کرده اند و معلوم نیست کجا هستند. فریبا بهشتی ادامه می دهد در گوشه ای از پذیرایی تلویزیون ال ای دی ۵۵ اینچ در گوشه دیگر لپ تاپ و خلاصه دریخچال را که باز کردم پر از خوراکی های خوشمزه و گوشت های کباب شده را دیدم، گمان نمی کردند دریخچال شان را باز کنم. پرسیدم این همه غذا و خوراکی دارید و شما وضع تان از ما هم بهتر است که یکی از زنان گفت این ها را چند لحظه پیش یک خیر برای مان آورد. خلاصه در همین گیرودار دختر بچه ای می خواست به مدرسه برود کیفش را برداشت که برود از او پرسیدم خاله جان وسایل مدرسه ات را کجا می گذاری، اینجا که هیچی از وسایلت دیده نمی شود. در همین زمان دختر ک پاسخ داد وسایلم تو اتاقم داخل کمد هست، خانه ما آن حیاط بغل دستی است و خانه آن طرف مال این خاله ام است و خانه روبه رویی هم مال خاله دیگرم هست و این جا هم خانه یکی از خاله هایم است. بهشتی ادامه می دهد که هنگام ورود به کوچه سه مرد موتور سوار را دیدم که از ابتدای آمدن مان تا وقتی خارج شدیم سر کوچه منتظر بودند و بعد دریافتیم این خانواده ها حرفه ای تکدی گری کرده و آن موتور سواران هم شوهران شان بودند و من به همسر خیری که ما را مامور کمک به این خانواده ها کرده بود گفتم که ببینید با چه شگردهایی می خواهند پول به جیب بزنند و حق یک نیازمند واقعی را بخورند؟

سپاهی یکی دیگر از مددکاران ورابطین خیریه مذکور با خیران هم خاطره جالبی در همین راستا می گوید: برای بررسی وضعیت یک خانواده نیازمند هنگام افطار ماه مبارک رمضان به طور سرزده به منزل کوچک یک خانواده در یکی از روستاهای بخش شاندیز رفتیم. یک اتاق ۹ متری بود که ۵ نفر از جمله دختر عقد شده شان زندگی می کردند، پدر خانواده معتاد بود، خانه گاز کشی بود اما خبری از اجاق گاز و آشپزخانه و دستشویی نبود، می گفتند برای دستشویی به مسجد می رویم، کتری کوچکی روی اجاق پیک نیک در حال جوشیدن بود، پرسیدم چرا اجاق گاز ندارید، مادر خانواده پاسخ داد: اجاق گاز لازم نداریم چرا که چیزی برای پختن نداریم. دوباره سوال کردم الان موقع افطار است و افطاری چه آماده کرده ای؟ به پیک نیک و کتری روی آن اشاره کرد و گفت: چایی با کمی نان می خوریم.

کارکنان و مسئولان موسسه خیریه نور الرضا(ع) از تلخی و شیرینی های کار خود گفتند. از حیله گری های برخی ها و از نیازمندانی که حتی روی کمک خواستن را ندارند و در عزلت به سختی روزگار می گذرانند و با این وجود همه تلاش می کنند تا کمک مردم و خیران به نیازمندان واقعی برسد. به کودکی که از گرسنگی رنج می برد، کودک دیگری که باهوش است اما خانواده یارای خرید یک دفتر و چند مداد برای او ندارد. خانواده ای که فرش زیر پا ندارند، دختری که آرزو دارد حتی با یک یخچال مستعمل به خانه بخت برود و پسری که چنان بیماری زمین گیرش کرده است که مجبور است خودرا در خانه زندانی کرده تا اجل به سراغش بیاید و یا پدری بیمار و از کار افتاده که باسیلی صورت خود و خانواده اش را سرخ نگه داشته است و یا خانواده ای که هر روز به نوبت یکی از معلولانش را باید برای مداوا ببرد در حالی که آهی در بساط ندارد و البته که موسسه نگهداری از معلولان امام جواد(ع) و خیریه نور الرضا(ع) نمی تواند فقط با کمک های سازمان بهزیستی و با وجود این همه نیازمند و معلول به همه آن ها پیوسته و شایسته کمک کند مگر این که مردم و خیران همت مضاعف کنند و با آگاهی کامل و اطمینان خاطر کمک های خود را از مسیری مطمئن به دست نیازمندان واقعی برسانند و از مسوولان موسسه تقاضای مدرک معتبر کنند تا با دلگرمی و اعتماد بیشتر کمک نمایند و به مرکز نگهداری از ۲۶۰ معلول و سالمند در ابتدای جاده سوران شاندیز سری بزنند، همه پرونده های معلولان و نیازمندان را بررسی کنند و آن گاه با اعتماد کامل کمر همت ببندند و کمک های خود را به شماره کارت ۶۱۰۴۳۳۷۹۸۵۳۷۶۷۷۹ واریز نمایند و یا با شماره ثابت ۰۵۱۳۵۵۹۰۰۴۰ و تلفن همراه ۰۹۱۵۱۰۰۰۰۹۱ موسسه مذکور تماس بگیرند و بدانند که میلیون ها تومان از کمک خیران و مردم نیکوکار صرف درمان، کودکان و بیماران مستضعف و نیازمند خصوصا افراد بی سرپرست و هم چنین تهیه بسته های غذایی و کمک مالی به خانواده های فقیر، بازسازی منازل معلولان و خانواده های آنان و منازل زنان مستضعف سرپرست خانوار و کمک به تهیه جهیزیه دختر یک خانواده آبرومند اما نیازمند می شود و مردم نیز آنان که به اصطلاح دستشان به دهان شان می رسد و انسان دوستی در وجودشان نهادینه شده است می توانند به جای کمک به متکدیان حرفه ای و کلاهبردارانی که کم در هر کوی و برزن نیستند کمک های خود را برای کمک به خانواده ای که به نان شب محتاج است و کودکی که کفشی برای مدرسه رفتن ندارد اختصاص داده و با مرکز نگهداری از معلولان امام جواد(ع) و موسسه خیریه مردم نهاد نور الرضا(ع) تماس گرفته و یا در خواست استقرار صندوق های کوچک جمع آوری کمک ها و هدایای خود در خانه و محل کار و کسب شان کنند تا با همت همه انسان های نوع دوست و با قطره قطره کمک ها بتوانیم دریایی از مهربانی و رودی از لبخند در جامعه مان جاری کنیم.

■ **مددکارانی باهوش**

حال که صحبت از بررسی و تحقیق در مورد افرادی که به عنوان نیازمند به موسسه معرفی شده یا خودشان حضوری مراجعه می کنند، کردیم بد نیست به سراغ دوتن از مددکاران خبره مرکز نگهداری معلولان امام جواد(ع) و خیریه نور الرضا(ع) برویم که برای تحقیق در مورد زندگی افرادی که به عنوان نیازمند معرفی شده اند از مشهد گرفته تا خواف و قوچان و دیگر نقاط استان راطی نموده و با حضور در مناطق کم برخوردار مشهد و طرقبه شاندیز از بولوار دوم طبرسی گرفته تا روستای گراخک شاندیز محترمانه و با رعایت حرمت افراد به منازل آن ها مراجعه کرده و مستقیم و غیر مستقیم در مورد شان بررسی های لازم را انجام داده اند تا مبادا کمک خیری در مسیری نادرست هزینه شود.

فریبا بهشتی مدیر روابط عمومی و مددکار مرکز نگهداری معلولان امام جواد(ع) است که همواره در نقاط مختلف شهر به تحقیق و بررسی وضعیت خانواده هایی می پردازد که ادعا می شود نیازمند هستند. او خاطراتی دارد که دل هر انسان آزاده ای را به درد می آورد. می گوید: خانواده ای را به مادر اطراف یکی از روستاهای مجاور سد کارده معرفی کردند که گفته می شد پدر و مادر شان فوت کرده اند و حتی لقمه نان خالی هم در سفره چند کودک و دختر و پسر نوجوان و بیمار این خانواده نیست. ۴ دختر و پسر در اتاق ۶ متری کوچکی که در مسیر کالی قرار داشت زندگی می کردند. یخچال زنگ زده و رنگ رورفته کوچکی گوشه اتاق بود، درش را باز کردم مقداری ماست و پنیره کپک زده داخلش قرار داشت، پرسیدم چرا این پنیر و ماست ها را نخوردید و گذاشتید کپک بزند، یکی شان پاسخ داد همسایه های مان پدر بزرگ، مادر بزرگ و خاله و دایی هایمان هستند این پنیر و ماست های کپک زده را آنان به ما دادند. این گفته آنان نشان می داد اقوام شان غذاهای فاسد و دور ریختنی را به این بچه ها می دادند. بهشتی اضافه کرد: مادر این بچه ها بعد از فوت همسرش با فروش تخم مرغ های دو عدد مرغی که در خانه نگهداری می کرد هزینه اندک زندگی را تامین می کرد اما او یک روز که برای فروش چند عدد تخم مرغ به خیابان می رود شدت گرسنگی و ضعف در خیابان جان می سپارد و هیچ یک از اقوام شان به سراغ وی نمی روند و فقط همین بچه های قد و نیم قد پس از جست و جوهای فراوان در می یابند مادر شان از شدت گرسنگی جان داده است.

این جا بغض مددکار موسسه امام جواد(ع) می ترکد و چشمانش خیس می شود و ادامه می دهد چند بار برای این بچه ها بسته های غذایی بردم، اصلا نمی دانستند نوشابه و دلستر و آبمیوه چی هست، فقط می گفتند چقدر خوشمزه است و آیا باز هم برای مان از این ها می آورید؟. فریبا بهشتی می افزاید: به کمک خیرین این بچه ها را و خواهر بزرگتر نوجوان شان را از آن محیط به نقطه ای دیگر در حاشیه شهر مشهد انتقال دادیم و بیماری یکی از دختران را مداوا نمودیم و با همت خیران برای شان منزل نقلی کوچکی ساختیم و همه وسایل خانه را تهیه کردیم، دختر بزرگ و یکی از پسرها ازدواج کردند و دو نفر دیگر شان با حمایت خیرین موسسه نور الرضا(ع) زندگی می کنند و درس می خوانند.

■ **متکدی حرفه‌ای**

این مددکار که بیشتر با خیران در ارتباط است به نمونه هایی از سوء استفاده برخی ها از احساسات انسان دوستانه خیران و مردم اشاره می کند و می گوید: یکی از خیران گفت زن نسبتا جوانی را دیدم که در منازل را می زند و طلب کمک می کند و می گوید شوهرم فوت کرده و چند بچه قد و نیم قد دارم که برای نان شب مان محتاجیم. او ادامه داد: خیر مذکور پولی به موسسه داد تا برای این زن بسته های غذایی تهیه کنیم. من هم از همسر این خیر خواستم تا با من برای سرکشی از وضعیت این زن به منزلی که آدرسش را با خط خودش